

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار هیأت رئیسه و نمایندگان مجلس شورای اسلامی - 7 / خرداد / 1381

بسم الله الرحمن الرحيم

بنده هم این ایام سعید و میلاد نبی اکرم و امام صادق علیهما الصلوة والسلام را به شما عزیزان و نمایندگان محترم مردم تبریک عرض می‌کنم و به خاطر حضورتان در این جمع صمیمی و باصفا خوشامد می‌گویم. امیدوارم خداوند متعال به ما و شما این لطف را بفرماید که در همه حرکات و سکناتمان راه خدا را برویم و برای رضای خدا و انجام تکلیف عمل کنیم.

از بیانات جناب آقای «کروبی» هم تشکر می‌کنیم؛ بیانات خوب و مفیدی داشتند. لازم است همین آمارها به اطلاع مردم برسد و در دل آنها این اطمینان و آرامش به وجود آید که نمایندگانشان دلسوزانه در پی حل مشکلات آنها هستند. بنابراین گفتن این چیزها را لازم بدانید و در ارائه این گزارشها به مردم امساک نکنید؛ این برای فضای جامعه و آرامش دلهای مردم بسیار مؤثر و مفید است. همچنین لازم می‌دانم از تلاش دوستان در مجلس و بخصوص زحمات توانفرسای رئیس محترم مجلس - جناب آقای کروبی - تشکر کنم. ما شاهد بارهای سنگین و طاقت فرسایی هستیم که بر دوش ایشان و بقیه دوستان در مجلس وجود دارد.

خدمت، خیلی سخت است؛ خیلی هم شیرین است. هر چه سختی خدمت بیشتر باشد، آسایش معنوی و روحی انسان پس از انجام دادن آن خدمت، بیشتر خواهد بود. ان شاءالله همان قدر که زحمت می‌کشید و تلاش می‌کنید و سنگینیها و فشارهایی را که به طور طبیعی برای مسؤولان - در هر جا باشند - وجود دارد، تحمل می‌کنید، امیدواریم خداوند متعال به شما اجر و پاداش دهد و دلها و چشمهای شما را با لطف خود روشن کند. این یک سال هم گذشت. مثل همه چیزهای دیگر، عمر خدمتها و عمر ما کوتاه است و مانند برق و باد این فرصتها می‌گذرد. در هر مسؤولیتی هستیم، آنچه برای ما باید مهم شمرده شود، این است که سعی کنیم گذر عمر و ایام مسؤولیت، برای ما ذخیره‌ای داشته باشد؛ والا وقتی انسان از این مرز عبور کند، از این اعتبارات و حیثیات هیچ چیزی در دست او نیست. عمر، چیز بی اعتباری است؛ هیچ نمی‌شود اطمینان داشت که ما تا فردا، تا آخر دوره و تا یک دوره دیگر هستیم و این فرصت را داریم. در اول تشکیل این مجلس که ما شما برادران و خواهران عزیز را در همین حسینه زیارت کردیم، جمعی در بین ما حضور داشتند که الان نیستند. آنها هستند و عملشان؛ آنها هستند و نیاتشان؛ آنها در محضر خدای متعال هستند. امیدواریم خداوند متعال با آنها با نهایت رحمت و مغفرت و فضل خود رفتار کند و مقاماتشان را ان شاءالله عالی گرداند. به هر حال ما، هم فرصت استغفار و هم فرصت عمل داریم. آنهایی که رفتند، دیگر این فرصتها را ندارند: «و فی الآخرة عذابٌ شدیدٌ و مغفرةٌ من الله و رضوان»؛ باید برای یکی از این دو، هدفگیری کرد؛ از این دو حالت خارج نیست. یا مغفرت و رضوان الهی است، یا خدای نخواستہ خشم و سخط الهی. تأمین کننده هم جز خود ما کس دیگری نیست. اگر قرار است فضل الهی شامل ما شود، یا رحمت و مغفرت الهی ما را دریابد، باز با خواست خود ماست؛ باید خودما آن رحمت را بخواهیم: «لیس یرد غضبک الا حلمک و لا یرد سخطک الا عفوک و لا یجیر من عقابک الا رحمتک و لا ینجینی منک الا التضرع الیک». باید به خدای متعال متوسل و متضرع شد.

برادران و خواهران عزیز! ما که در جمهوری اسلامی مشغول خدمت هستیم، فراتر از همه فکرها و سلیقه‌ها و گرایشها و انگیزه‌ها و تفاوتهایی که قهراً وجود دارد، همه باید در یک چیز مشترک و به آن مهتم باشیم و آن حفظ رابطه خودمان با خداست؛ ذکر نعمت الهی است؛ به یاد داشتن لطف و فضل پروردگار است به خاطر فرصتی که به ما داده است. این به اختلاف سلیق، بینشهای سیاسی و گرایشهای گوناگون سیاسی و جناحی و حزبی و غیره ارتباطی ندارد؛ این مربوط به همه است. هر کس مسؤولیتش بیشتر است، به این بیشتر احتیاج دارد. بنده ضعیف و ناتوانی که مسؤولیتم سنگین است، بیش از شما احتیاج دارم. مخاطب این موعظه در درجه اول خود من هستم. دلها را باید با خدا آشنا نگهداشت. آنچه در این راه مهم است، نیت خدمت و تلاش برای خدمت است. این نیت را

باید حفظ کرد؛ نیت مقدسی است. خود انسان هم خوب می تواند بفهمد در کجا، کدام موضعگیری، کدام حرف، کدام تسلیم و کدام رد - مثلاً در مجلس - با نیت خداست و برای خدا کار می کند یا انگیزه دیگری دارد. ممکن است دیگران نیت ما را تشخیص ندهند؛ برای دیگران می شود طور دیگری واقعیتها و باطنها را جلوه گر کرد؛ اما انسان برای خود نمی تواند این کار را بکند. اگر انسان با دقت و تأمل نگاه کند، همه چیز در مقابل او باز و افشا شده است. مهم این است که نیت خدمت و حرکت در راه انجام وظیفه را حفظ کنیم؛ آن گاه همه کارها دارای اجر خواهد بود. ممکن است در خصوص مسأله ای، دو موضعگیری کاملاً متضاد وجود داشته باشد؛ اما هر دو هم مشمول لطف و مغفرت و قبول الهی باشد؛ به شرطی که نیت خوب باشد و عمل بر طبق آنچه انسان احساس وظیفه می کند، انجام گیرد. برای شما این فرصت خیلی فراهم است؛ چون نقش شما مهم است.

همان طور که جناب آقای کرّوبی اشاره کردند، هم مسأله قانونگذاری، هم مسأله نظارت، هر دو مهم است؛ البته مسأله قانونگذاری اساسیتر است. قانون، جاده ای است که شما به سمت هدفهایی که کشور و مدیران اجرایی و مسؤولان باید به آن جا برسند، باز می کنید. قانون اساسی برای ما در همه بخشهای خود هدفهایی را معین کرده است؛ هم در بخش حقوق مردم، هم در بخش تشکیلات دولتی، هم در سایر بخشها. هر اصلی از اصول قانون اساسی در واقع هدف و سرمنزلی است که باید به آن رسید. برای رفتن به این سمت، حتماً لازم است جاده ای وجود داشته باشد؛ بدون جاده نمی شود حرکت کرد. دستگاه اجرایی کشور باید به سمت آن هدفها برود. دستگاه اجرایی، اعم از قوه مجریه و قوه قضاییه و نیروهای مسلح و همه دستگاههایی است که نهادهای دولتی هستند و بخشی از اداره کشور بر عهده آنهاست؛ اینها باید به سمت این هدفها حرکت کنند. شما با وضع قانون، راههای صحیح را معین می کنید و دستگاههای پیشرونده را از غلتیدن در ورطه های خطرناک باز می دارید. عظمت و اهمیت قانون، این گونه معلوم می شود. بنابراین قانونگذاری، بسیار بسیار مهم است و هر چه قانون با نگاه آگاهانه تر و خبره تر و شناخت موضوعات و مصالح کشور بیشتر همراه باشد، استحکام آن بیشتر است. وقتی استحکام قانون بیشتر بود، کارایی آن بیشتر خواهد بود و مدت زمان بیشتری می تواند مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین نقش قانون خیلی مهم است. البته اعتقاد این است که امروز مسائل اصلی کشور فراتر از مسائل درون جناحها و گروههای مختلف کشور است. بحثهای جناحی و خطی و سلیقه ای و گرایش وجود دارد که نه می شود آنها را کاملاً متوقف کرد و نه می شود به کلی آنها را مضر دانست. مقداری از این اختلافات و مباحثات به جستجوگری و آگاه شدن و تفحص فکری و ذهنی جامعه و مردم کمک می کند. اگر به شکل سالمی انجام گیرد، اشکالی هم ندارد؛ اما همه مسائل کشور اینها نیست. مسائل اساسی کشور فراتر از چیزهایی است که در چارچوب گرایشها و خواستها و تمایلات و تشخیصهای جناحی و گروهی محدود شود. به نظر می رسد هر کس دلسوز و آگاه است، می تواند مسائل اساسی کشور را ببیند.

شکی نیست که امروز در بخش قدرتمندی از جهان یک انگیزه قوی وجود دارد که متوجه فتح و تسخیر همه امکانات جهانی و روی زمین است. وجود ابرقدرتها همیشه به همین معنا بوده است. انحصار ابرقدرتی در یک ابرقدرت، به طور طبیعی این گرایش را شدیدتر و بیشتر می کند. مجموعه دستگاههای اقتصادی و کانونها و بنگاههای فعال در شکل دادن اقتصاد کشورها و اقتصاد جهان که به دنبال افزایش ثروت و کسب ثروت هستند، کارشان به طور طبیعی این را ایجاب می کند و دنبال آن، حالت تسخیرطلبی وجود دارد و امروز اظهار هم می شود و چیزی نیست که مکتوم بماند. این که قدرتهای سلطه گر در دنیا در صدد هستند که منافع خود را در هر نقطه ای از دنیا تأمین کنند، چیزی نیست که کسی امروز آن را کتمان کند و پوشیده بدارد. منافی که بناست تأمین شود و مربوط به فلان ابرقدرت است - البته نمی خواهم فقط آمریکا را بگویم؛ آمریکا برترین و پرتوقعترینشان است؛ مجموعه ای هستند که آمریکا در رأس آنها قرار گرفته است - منافی نیست که با منافع کشورها و ملتها و صاحبان سرزمینها تضاد نداشته باشد؛ چنین قیدی برای آن ذکر نکرده اند؛ می گویند منافع ما. این منافع اگر با منافع فلان ملت یا فلان کشور یا فلان منطقه در تضاد بود چه؟ آنها نمی گویند اگر در تضاد بود، ما در این صورت از منافع خود چشم می پوشیم؛ نه. منافع، منافع است؛ آن را می خواهند.

امروز در دنیا لازمه این طلب استکباری - که واقعاً جای کلمه استکبار همین جاست - این شده است که حرکت تند

پُرشتابی برای تسخیر زمینه های متعدّد - که عمده اش سه زمینه است: اقتصاد، سیاست و فرهنگ - از بالا آغاز شود؛ مثل سیل بنیان کنی که به سمت دامنه می آید. این سیل سرازیر شده؛ مربوط به امسال و پارسال هم نیست. منتها بر حسب شرایط گوناگون عالم تشدید می شود. بعضی معتقدند در مقابل این سیل چاره ای جز تسلیم نیست! امروز انسان این را مشاهده می کند. بعضیها در سطح کشورهای در حال توسعه یا به تعبیر دیگر جهان سوم - کشورهایی که در قله قرار ندارند، در دامنه های پایین قرار دارند - صریحاً می گویند چاره ای نیست، باید غرق و هضم و همشکل شد. بعضیها هم صریحاً این را نمی گویند، اما عملاً این طور رفتار می کنند. آیا واقعاً واقعیت همین طور است؟ یعنی امروز در مقابل سیلی که برای قبضه کردن همه منابع و تلاشهای اقتصادی عالم از یک نقطه خاص شروع شده است، هیچ مقاومتی نمی شود کرد؟ آیا در مقابل سیلی که سرازیر شده و همتش این است که هویت سیاسی کشورها را به یک هویت جمعی - که در رأس آن، مراکز اقتدار بین المللی هستند - تبدیل کند، واقعاً نمی شود مقاومت کرد؟ آیا باید در هاضمه افزون طلب و قناعت ناپذیر فرهنگ سلطه گر هضم شد؟ آیا واقعاً سرنوشت بشریت این است؟ بعضی این طور تصوّر می کنند.

ما معتقدیم که نه؛ این، سرنوشت محتوم کشورها نیست و دلایل متعدّدی دارد: امکانات و تواناییها و ظرفیتهای مستکبران و مقتدران و سلطه طلبان عالم محدود است. این طور نیست که ما تصوّر کنیم هر چه مقتدران عالم بخواهند، ناگزیر تحقق پیدا خواهد کرد؛ نه. می توان فرض کرد که اینها ناکام شوند؛ کما این که در موارد فراوانی ناکام شدند؛ امروز هم خواهند شد.

ما در جمهوری اسلامی به عنوان کسانی که متصدّی و متعهّد یک تکلیف و وظیفه هستیم، چه تکلیفی داریم؟ این که می گویم ما متعهّد و موظفیم، به خاطر این است که جمهوری اسلامی بر اساس یک فکر، یک آرمان و یک هدف بزرگ و والا و مقدّس به وجود آمده است و کسانی که معتقد به نظام جمهوری اسلامی و پیام انقلاب هستند، فکر نمی کنم از این معنا تخلفی داشته باشند. ما فکر می کنیم یک وظیفه و تکلیف الهی و مسؤولیت خدایی را انجام می دهیم. به همین دلیل است که بنده معتقدم اگر مسؤولان - چه شما که در مجلسیید و چه آنهایی که در دستگاههای اجرایی کشورند - کاری را که بر عهده آنهاست، انجام دهند، ثوابش پیش خدای متعال از بسیاری از عبادات بالاتر است؛ چون این بنا برای اعلائی کلمه حق و احیای کلمه توحید ساخته شده است. ما به عنوان کسانی که در این مجموعه چنین وظیفه ای داریم و این مسؤولیت را احساس می کنیم، در مقابل این سیل جهانی باید مقاومت کنیم. البته واقعیت جهانی سازی هم یکی از بخشهای مهم و بارز همین سیل است. فعلاً مسأله اقتصاد مطرح است؛ اما گفته و ناگفته، نوشته و نانوشته، جهانی سازی در زمینه سیاست و فرهنگ هم حتماً وجود دارد و عمل می شود. آیا در مقابل این سیل می شود مقاومت کرد؟ ما معتقدیم بله، می شود مقاومت کرد؛ این وظیفه اصلی ماست. مقاومت، تنها با استحکام بخشیدن به بنیانها صورت می گیرد. هر سیل بنیان کنی وقتی به یک صخره استوار برسد، نمی تواند در آن اثر بگذارد. ما باید خود را استوار و مستحکم کنیم و بنیانهای فرهنگی و اقتصادی و سیاسی خود را استحکام ببخشیم. هر کاری که در جهت استحکام بخشیدن باشد، مقدّس و خوب و مورد اجر و ثواب الهی است. هر چیزی که در جهت متزلزل کردن این پایه ها و بنیانها باشد، بد است؛ این دیگر ربطی به جناح و حزب و گروه و تشکیلات ندارد. به نظر من معیار و ملاک، این است.

برای این که ما بنیانهای سیاسی و اقتصادی و فرهنگی خود را مستحکم کنیم، پیش نیاز اوّلی قطعی ما، ایجاد وفاق و وحدت کلمه است. برای وفاق باید همه تلاش کنند. معنای وفاق این نیست که گروهها و تشکیلات و جناحهای گوناگون اعلام انحلال کنند؛ نه، هیچ لزومی ندارد. معنای وفاق این است که نسبت به هم خوشبین باشند؛ «رحماء بینهم» باشند؛ همدیگر را تحمل کنند؛ در جهت ترسیم هدفهای والا و عالی و برای رسیدن به آنها به یکدیگر کمک کنند و از ایجاد تشوّج، بد اخلاقی، درگیری، اهانت و متهم کردن بپرهیزند. امروز به نظر من وظیفه ما این است. مجلس شورای اسلامی نباید تضعیف شود. بنده با این که کسانی به هر کیفیتی و با هر بهانه و مستمسکی مجلس شورای اسلامی را تضعیف کنند، مخالفم. مجلس یکی از نهادهای اساسی کشور است؛ نباید آن را تضعیف کرد. به صرف این که نقطه ای مورد قبول کسی نیست، نباید مجلس و هیچیک از دستگاهها تضعیف شود. قوه مقننه، قوه

قضایه و قوه مجریه به عنوان قوه و یک نهاد و یک دستگاه و یک رکن، نباید تضعیف شوند؛ هیچ کس نباید اینها را تضعیف کند. دستگاهها باید در جهت تقویت یکدیگر تلاش کنند.

بنده به آینده کشور بسیار خوشبینم. البته معنای این حرف این نیست که مشکلات و ضعفها و کاستیها و ناتوانیهای موجود را نمی بینم و از آنها اطلاع ندارم. من وقتی با مسؤولان مواجه می شوم، بسیاری از مشکلاتی را که در بخشهای آنهاست، به آنها می گویم. گاهی اطلاعات من کمتر از اطلاعات آنها نیست؛ شاید گاهی هم بیشتر است. من ضعفها را می دانم؛ منتها ضعفها بنیانی نیست. بنیان و پایه سیاسی کشور مستحکم است. بر اساس قانون اساسی بسیار خوب و مترقی و جامع و همه جانبه ما، بنیان سیاسی کشور بسیار مستحکم است. اشکال کار، در عملکردها و کوتاهیهاست؛ این کوتاهیها باید برطرف شود.

به نظر من آنچه امروز وظیفه اصلی ماست، این است که در بخشهای سه گانه - یعنی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی - پایه ها را مستحکم کنیم. اگر پایه های فرهنگی بخواهد مستحکم شود، شرط اصلی این است که ایمان مردم به دین و موارث فرهنگی خودشان روزه روز استحکام پیدا کند و تضعیف نشود. ما نمی خواهیم در یک جزیره زندگی کنیم و فکر نمی کنیم در دنیای امروز می شود در یک جزیره زندگی کرد. ما می خواهیم مردم به موارث و ثروت فرهنگی خود ببالند و احساس حقارت نکنند. تلاش بعضیها این است که در مقابل ثروت فرهنگی مردم - که بسیار عظیم است - یک حالت گله گذاری و بدهکاری به وجود آورند؛ این خطاست. ثروت فرهنگی ما بسیار عظیم است و بخش عمده آن، ایمان به خدا و اسلام و توکل به خدا و مفاهیم اسلامی است که بحمدالله در مردم ما کاملاً نافذ و راسخ است؛ بخشی از آن هم مربوط به مسائل فرهنگی ماست. اینها را باید قدر دانست و حفظ کرد. قوانین باید در این جهت باشد.

استقلال اقتصادی کشور نیز در کنار کارایی بخشهای اقتصادی، بسیار مهم است. در گزارش هم اشاره شد که بحمدالله در بخشهای اقتصادی، قانونگذاری زیادی شده است. البته من الان از تفصیلات قانونگذاریها استحضاری ندارم. نفس اهتمام به این مسأله، مهم است. امروز این باید جزو مسائل اساسی ما به حساب آید. مردم در زمینه های اقتصادی، مشکلات فراوانی دارند. یکی از مشکلات عبارت است از شکاف اقتصادی و تبعیض در مسائل اقتصادی و برخورداریهای ناروا در مقابل محرومیتها سخت و سنگین. این، مردم را آزار می دهد. بیش از فقر، تبعیض برای مردم گزنده است. در قوانین، شما باید اینها را مراعات کنید؛ با قانون می توانید جلو اینها را تا حد زیادی بگیرید. البته قانون، همه چیز نیست؛ باید مدیریت اجرایی خوب حتماً وجود داشته باشد تا قانون کارایی خود را نشان دهد؛ لیکن قانون هم سهم بسیار زیادی دارد.

در زمینه سیاسی هم همین طور است: محافظت از پایه سیاسی کشور - یعنی نظام جمهوری اسلامی - و قدردانی از این نظام که حقیقتاً یک پدیده والا در دنیای امروز است. این که رادیوهای بیگانه و سیاستون دنیا و رندهای سیاسی عالم، مرتب تحقیر و توهین کنند، از اهمیت مسأله و عظمت این پدیده نمی کاهد. این پدیده عظیم، در دنیا کار خود را کرده است. دشمنان ما با این که نمی خواهند به اهمیت و تأثیرگذاری جمهوری اسلامی اعتراف کنند، در عین حال خواه و ناخواه به آن اعتراف می کنند. این که امروز دنیای اسلام به اسلام خواهی خود می بالد؛ این که قشرهای جوان، دانشگاهی و زیدگان فکری در دنیای اسلام این گونه اند؛ این که امروز مسأله فلسطین با این حجم و عظمت، به خاطر توجه مردم به اسلام، حالت تازه ای پیدا کرده و اصلاً مسائل خاور میانه یک تحول اساسی یافته است، ناشی از همین اثرگذاری بسیار عمیق و دنباله دار و مستمر است. علت دشمنی آنها با جمهوری اسلامی همین است. می خواهند سرچشمه را خشک کنند؛ چون می دانند سرچشمه این بیداری در دنیای اسلام، به پا شدن جمهوری اسلامی است. نفس اقامه جمهوری اسلامی، برای آنها مهم بود. این پایه را باید مستحکم و حفظ کرد و حقیقت آن را درست تبیین نمود.

خدای متعال نعمتهای زیادی به ما داده است. شکرگزاری این نعمتها بر ما واجب است. شکرگزاری به این است که در هر جا هستیم - بنده، شما، دولت، مسؤولان گوناگون اجرایی و مسؤولان قضایی - به وظیفه خود عمل کنیم و آنچه را که احساس می کنیم بیننا و بین الله وظیفه ماست، انجام دهیم. «ولینصرن الله من ینصره»؛ بدون تردید

نصرت الهی پشت سر چنین حرکت و انگیزه ای وجود دارد؛ کمالین که تا امروز هم وجود داشته و بعد از این هم این طور خواهد بود.

امیدواریم ان شاءالله خداوند متعال به همه شما توفیق دهد؛ ما و شما را تأیید کند؛ رحمت خود را شامل حال ما گرداند و دعای ولی عصر ارواحنا فداه و همچنین رضایت آن بزرگوار را شامل حال ما کند.

والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته